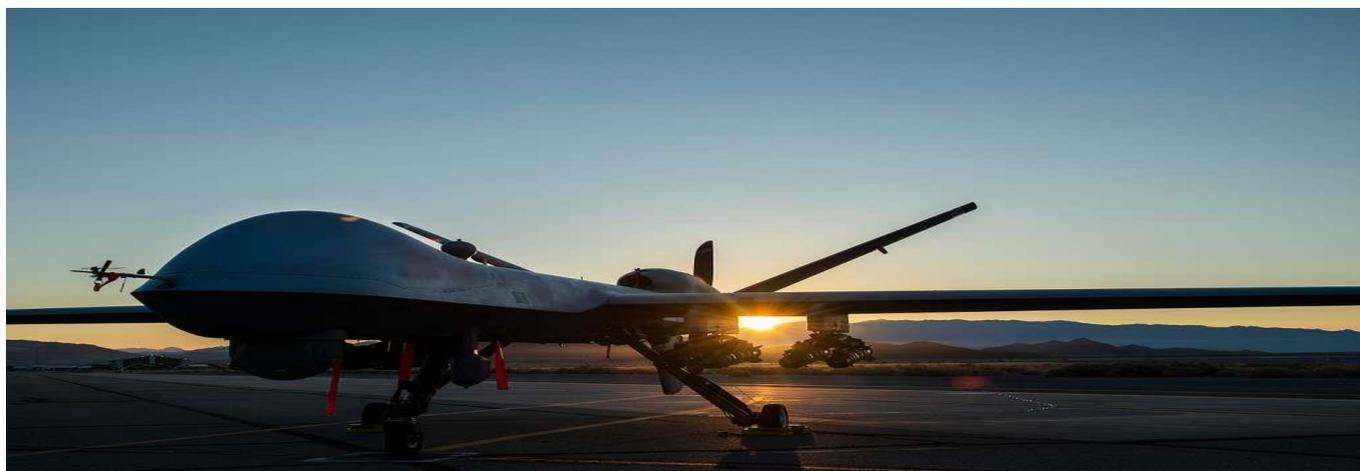


نویسنده: لواری کالهن «Laurie Calhoun».
منبع و تاریخ نشر: انتی وار «2025-07-01».
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

«جنگ هوشمند» و تروریسم دولتی

“Smart War” and State Terrorism



بر { ۱۶ ژوئن ۲۰۲۵، } رئیس ج مهور دونالد ترامپ، «۱۰» میلیون نفر از ساکنان تهران، ایران، را به دلیل آرمان‌های ادعایی هسته‌ای دولت شان، به مرگ تهدید کرد:

ایران باید «توافقی» را که من به آنها گفتم امضا می‌کرد. چه شرم‌آور و ائتلاف جان انسان‌ها. به عبارت ساده، ایران نمی‌تواند سلاح هسته‌ای داشته باشد. من بارها و بارها این را گفته‌ام! همه باید فوراً تهران را تخلیه کنند! (TS: 16 ژوئن ۲۲:۳۰ UTC) — Trump Truth Social Posts On X (@TrumpTruthOnX) ۱۶ ژوئن ۲۰۲۵ این پیام در حساب کاربری Truth Social رئیس جمهور منتشر شد، در X/Twitter به اشتراک گذاشته شد و سپس توسط همه رسانه‌های جمعی اصلی جمع‌آوری شد و به همه مردم کره زمین اطلاع داد که ترامپ در حال آماده شدن برای پیوستن به جنگ اسرائیل علیه ایران است.

در ۱۷ ژوئن ۲۰۲۵، رئیس‌جمهور ترامپ مستقیماً آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم ایران، را به ترور تهدید کرد:

ما دقیقاً می‌دانیم که به اصطلاح «رهبر معظم» کجا پنهان شده است. او یک هدف آسان است، اما آنجا امن است - ما قصد نداریم او را از بین ببریم (بکشیم!)، حداقل فعلاً نه. اما ما نمی‌خواهیم موشک‌ها به سمت غیرنظامیان یا سربازان آمریکایی شلیک شوند. صبر ما کم شده است. متشکرم...

Trump Truth Social Posts On X (@TrumpTruthOnX) June 17, —

2025 گاهی اوقات افراد دیوانه تهدیدهای مبهمی می‌کنند که هیچ قدرتی برای اجرای آنها ندارند. بهتر است از چنین افرادی اجتناب شود و نادیده گرفته شوند. برای اینکه تهدید به مرگ مؤثر باشد، باید معتبر باشد، در غیر این صورت هیچ ترسی در افراد مورد خطاب ایجاد نمی‌شود، زیرا آنها می‌دانند که با چیزی بیشتر و کمتر از یک دلک بیهوده سر و کار ندارند. هر فکری که در مورد رئیس‌جمهور ترامپ داشته باشیم، پست‌های تهدیدآمیز او در رسانه‌های اجتماعی، با توجه به نقش رسمی او به عنوان فرمانده کل قوا با قدرت اعمال قدرت نظامی عظیم بر مردم جهان، تهدیدهای معتبری هستند. اگر کسی از قبل این را نمی‌دانست، کارولین لیویت، سخنگوی مطبوعاتی، در 20 ژوئن 2025 به خبرنگاران یادآوری کرد که «ایران و تمام جهان باید بدانند که ارتش ایالات متحده قوی‌ترین و مرگبارترین نیروی جنگی در جهان است و ما قابلیت‌هایی داریم که هیچ کشور دیگری در این سیاره ندارد.»

هشدار ترامپ به کل جمعیت تهران مبنی بر اینکه همه آنها باید شهر را تخلیه کنند، با توجه به «جنگ علیه تروریسم» گسترده دولت ایالات متحده که طی آن افغانستان و عراق مورد حمله و اشغال قرار گرفتند، به طریق اولی یک تهدید معتبر بود. چندین کشور دیگر نیز «در خارج از مناطق خصومت فعال» یعنی جایی که هیچ نیروی آمریکایی حضور نداشت و بنابراین هیچ بهانه‌ای برای حفاظت از نیروها برای استفاده از قتل‌های دولتی وجود نداشت، هدف هزاران حمله موشکی قرار گرفتند. تهدیدهای کلامی رئیس‌جمهور مبنی بر استفاده از نیروی مرگبار اغلب به اقدام نظامی منجر می‌شود، زیرا فرمانده ممکن است به راحتی توسط مشاورانش متقاعد شود که اگر به سخنان خود عمل نکند، اعتبار خود (و ملت) را از دست خواهد داد، که به او گفته می‌شود نشانه ضعف است. بنابراین، همانطور که پیش‌بینی می‌شد، در 22 ژوئن 2025، رئیس‌جمهور ترامپ تهدید خود را برای بمباران ایران عملی کرد، اگرچه ادعا کرد که فقط به سه سایت خاص حمله کرده است: فردو، اصفهان و نطنز، جایی که ظاهراً غنی‌سازی هسته‌ای و توسعه سلاح‌های هسته‌ای در حال انجام بوده است. تولسی گابارد، مدیر اطلاعات ملی، در مارس 2025 به اعضای کنگره گزارش داد: «[جامعه اطلاعاتی] همچنان ارزیابی می‌کند که ایران در حال ساخت سلاح هسته‌ای نیست و رهبر معظم انقلاب، خامنه‌ای، برنامه سلاح‌های هسته‌ای را که در سال 2003 به حالت تعلیق درآورده بود، تأیید نکرده است.»

در ۱۷ ژوئن ۲۰۲۵، وقتی یک روزنامه‌نگار ارزیابی مدیر گابارد را به ترامپ یادآوری کرد، رئیس‌جمهور بی‌پرده گفت: «برایم مهم نیست او چه گفته است.» به‌طور فزاینده‌ای آشکار شده است که سیاست خارجی ترامپ در خاورمیانه در درجه اول نه توسط کابینه خودش، بلکه توسط سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل، و در درجه اول موساد، تعیین می‌شود. (برای هر کسی که با نحوه عملکرد و رفتار کلی موساد آشنا نیست، فیلم‌های مونیخ (۲۰۰۵)، دروازه‌بانان (۲۰۱۲) و مامور (۲۰۲۰) را توصیه می‌کنم.) اینکه ترامپ به‌طور قاطع تحت تأثیر دولت اسرائیل قرار گرفته است، با تهدید مستقیم او علیه رهبر معظم انقلاب، خامنه‌ای، و این واقعیت که بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر، دهه‌هاست که خواستار تغییر رژیم در ایران است، بیشتر آشکار شد.

در 20 ژوئن 2025، دو روز قبل از حملات موشکی ترامپ به ایران، مدیر گابارد با تغییر موضع، اصرار داشت که شهادت قبلی او در برابر کنگره تحریف شده است و یافته‌های او مبنی بر غنی‌سازی اورانیوم توسط ایران را نادیده گرفت:

رسانه‌های ناانصاف و بی‌صداقت عمداً شهادت من را از متن خارج می‌کنند و اخبار جعلی را به عنوان راهی برای ایجاد تفرقه منتشر می‌کنند. آمریکا اطلاعاتی دارد مبنی بر اینکه ایران در نقطه‌ای است که می‌تواند ظرف چند هفته تا چند ماه سلاح هسته‌ای تولید کند، اگر تصمیم به نهایی کردن... pic.twitter.com/mYxjpJY2ud —

مدیر اطلاعات ملی تولسی گابارد 20 (@DNIGabbard) ژوئن 2025

پس‌گیری یا تفسیر خلاقانه گابارد از شهادت قبلی‌اش، شباهت‌هایی با مورد کالین پاول، وزیر امور خارجه دولت بوش، دارد که در ابتدا با حمله به عراق در سال 2003 مخالف بود و سپس به دلایلی که هنوز مشخص نیست، ناگهان به یکی از سرسخت‌ترین حامیان این ماموریت تبدیل شد. پاول حتی تا آنجا پیش رفت که استدلال جنگ را در شورای امنیت سازمان ملل که چندان مشتاق نبود، ارائه داد. پس از یک ارائه پاورپوینت رنگارنگ که شامل مجموعه‌ای از شواهد ساختگی - از گمانه‌زنی‌ها در مورد لوله‌های آزمایش آلومینیومی عراق گرفته تا رسید خرید «کیک زرد» و عکس‌هایی از آنچه ادعا می‌شد آزمایشگاه‌های شیمیایی سیار هستند - بود، پاول تشخیص داد که آرای لازم برای کسب تأیید سازمان ملل را ندارد و بنابراین ناگهان قطعنامه جنگ را پس گرفت. سپس ایالات متحده بدون هیچ مانعی به عراق حمله کرد و از جمله ادعا کرد که مداخله نظامی سال ۲۰۰۳ به دلیل نقض قطعنامه‌های قبلی سازمان ملل توسط رئیس‌جمهور صدام حسین قانونی بوده است. به عبارت دیگر، پس از درخواست تأیید سازمان ملل، دولت ایالات متحده ناگهان انکار کرد که قبل از حمله به عراق به هر حال به چنین تأییدی نیاز داشته است.

برخلاف جورج دبلیو بوش، وقتی دونالد ترامپ، همانطور که می‌گویند، «در زمانی که خودش انتخاب کرده بود» ایران را بمباران کرد، او حمایت کنگره ایالات متحده را

نداشت. روسای جمهور باراک اوباما، جو بایدن و ترامپ همگی به مجوز استفاده از نیروی نظامی (AUMF) دوران بوش وابسته بودند، زیرا آنها همچنان به پرتاب موشک به چندین کشور فراتر از افغانستان و عراق، از جمله یمن، پاکستان، سومالی، سوریه و غیره ادامه دادند. اما مجوز استفاده از نیروی نظامی که در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ به بوش اعطا شد، هیچ ارتباطی با درگیری بین اسرائیل و ایران نداشت. نئوکان‌ها طبیعتاً انواع و اقسام تفسیرهای پیچیده و مبهم را ابداع می‌کنند تا به این نتیجه برسند که ایران در واقع "گزینه منصفانه‌ای" برای بمباران است. با این حال، همانطور که گفته و تصویب شد، مجوز استفاده از نیروی نظامی که توسط کنگره به جورج دبلیو بوش اعطا شد، برای تسهیل تلاش رئیس جمهور ایالات متحده برای اجرای عدالت در مورد عاملان جنایات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در نظر گرفته شده بود.

نباید فراموش کرد که رئیس جمهور ترامپ در میان روسای جمهور قرن بیست و یکم در بمباران کشورهایایی که ساکنان آنها هیچ ارتباطی با تخریب تکان دهنده مرکز تجارت جهانی نداشتند، منحصر به فرد نبود. رئیس جمهور اوباما بدون جلب حمایت کنگره، تغییر رژیم در لیبی را عملی کرد، زیرا به ادعای او، این واقعاً یک جنگ نبود، زیرا او هیچ نیروی زمینی اعزام نمی‌کرد. هیلاری کلینتون، وزیر امور خارجه، سهم خود را برای متقاعد کردن اوباما به اینکه «قذافی باید برود!» انجام داد و بعداً مداخله لیبی را به عنوان نمونه‌ای درخشان از «قدرت هوشمند در بهترین حالت آن» توصیف کرد، اگرچه چند مقام وزارت امور خارجه ایالات متحده، از جمله کریستوفر استیل، سفیر در لیبی، در درگیری‌های پس از بمباران کشته شدند. امروز، لیبی اساساً یک کشور شکست خورده است. اوباما اعتراف کرده است که بزرگترین پشیمانی و بدترین اشتباه ریاست جمهوری او (که در گاردین گزارش شده است) نداشتن برنامه‌ای برای پیامدهای مداخله به اصطلاح «بشر دوستانه» خود بود، مداخله‌ای که ناتو را برای انجام آن به خدمت گرفت.

بلافاصله پس از حملات موشکی [۲۲ ژوئن ۲۰۲۵]، مقامات ترامپ با پیروی از دستورالعمل دولت اوباما در مورد لیبی، اصرار داشتند که حمله او به تأسیسات هسته‌ای ایران آغاز یک درگیری طولانی و طولانی در ایران نیست. این به معنای ایجاد تضاد با جنگ‌های چند دهه‌ای نامحبوب در افغانستان و عراق بود. معاون رئیس جمهور، جی. دی. ونس و دیگران، با نادیده گرفتن تهدید ترامپ برای ساکنان تهران، این حمله دولت اوباما را تکرار کردند که این مأموریت «جنگ» با ایران نیست. هما‌نطور که ونس توضیح داد، حملات موشکی محدود فقط برای از بین بردن تأسیسات هسته‌ای ایران انجام شد. طبق گفته دولت ایران، در مجموع ۶۱۰ نفر توسط بمب‌های دولت‌های ایالات متحده و اسرائیل کشته و هزاران نفر دیگر زخمی شدند. با این حال، هیچ‌یک از افرادی که جان باختند آمریکایی نبودند.

معاون رئیس جمهور ونس با استفاده از استعاره «جنگ هوشمند» دوران اوباما، همچنین اظهار داشت که حملات نظامی پیشگیرانه ترامپ با حملات پیشینیان او متفاوت است، زیرا برخلاف ترامپ، روسای جمهور قبلی «احمق» بودند. الیور استون فیلمی به

نام W (2008) ساخت که به طرز قانع‌کننده‌ای بوش را به عنوان یک احمق به تصویر می‌کشد، اما هیچ‌کس هرگز نگفت که معاون رئیس جمهور دیک چنی یا کادر دیگر سوجدجویان جنگ و نوکان‌هایی که بوش را به حمله پیشگیرانه به عراق ترغیب کردند، احمق بوده‌اند.

در هر صورت، تاکنون، دولت ایالات متحده هزاران نفر را به طور مستقیم (و میلیون‌ها نفر را به طور غیرمستقیم) در کشورهای مختلف، که اغلب در خارج از مناطق خصومت فعال (مناطق جنگی یا سرزمین‌های تحت اشغال) قرار دارند، قتل عام کرده است، به طوری که شهروندان تا حد زیادی به همه اینها عادت کرده‌اند. متأسفانه، در طول قرن بیست و یکم، شاهد یک تغییر الگوی ظاهراً دائمی به استفاده بی‌بند و بار دولت از قتل برای ارباب و کشتن هر کسی در هر کجا که توسط مقامات آمریکایی یا تحلیلگران قرار دادی آنها خطرناک یا حتی مشکوک تلقی شود، بوده‌ایم. این تغییر الگوی رادیکال توسط یک فناوری جدید امکان پذیر شد: پهپاد مسلح، که ابتدا توسط دولت بوش به بهانه حفاظت از نیروها در افغانستان و عراق شروع به استفاده کرد. تیم بوش با شلیک موشک به گروهی از مظنونان تروریستی که در جاده‌ای در یمن در ۳ نوامبر ۲۰۰۲ رانندگی می‌کردند، عملاً عصر پهپادها را آغاز کرد.

با طولانی شدن جنگ جهانی علیه تروریسم و شروع به تکثیر و گسترش جهادگرایان خشمگین در سراسر منطقه، پرزیدنت اوباما با چابکی، نقش جنگجوی پهپاد را بر عهده گرفت و به جای دستگیری هزاران تروریست مظنون در خارج از مناطق درگیری فعال، کشتن آنها را انتخاب کرد. اوباما در اشتیاق خود برای کشتار با پهپاد، حتی تا آنجا پیش رفت که عمداً و از پیش برنامه‌ریزی شده، شهروند آمریکایی انور العولقی (که در آن زمان، در سال ۲۰۱۱، در یمن بود) را بدون اعلام جرم و حتی بدون اجازه محاکمه به خاطر جرایم ادعایی اش، شکار و به قتل رساند. به دنبال رویه اوباما، در سال ۲۰۱۵، دیوید کامرون، نخست وزیر بریتانیا، تصمیم گرفت دو تبعه بریتانیایی به نام‌های روح الامین و ریاض خان را که مظنون به همدستی در تروریسم بودند، پس از فرار از بریتانیا به سوریه اعدام کند، و این در حالی بود که پارلمان درخواست کامرون برای جنگ علیه سوریه را رد کرده بود. قتل همد فمند شهروندان بریتانیایی مقیم خارج از کشور توسط کامرون، از این جهت تعجب‌آورتر بود که مجازات اعدام در بریتانیا و همچنین اتحادیه اروپا که بریتانیا در آن زمان عضو آن بود، غیرقانونی است.

یک ترور دولتی منجر به ترور دیگری می‌شود و در ۳ ژانویه ۲۰۲۰، رئیس جمهور ترامپ دستور حذف قاسم سلیمانی، فرمانده ارشد ایرانی، را که در آن زمان در بغداد در حال انجام یک ماموریت دیپلماتیک بود، از طریق حمله پهپادی صادر کرد. ترامپ آشکارا اعلام کرد و در واقع به آن مباحثات کرد که این عمل قتل عمدی و از پیش برنامه‌ریزی شده بوده است. به گفته رئیس جمهور، سلیمانی مسئول حملات گذشته و آینده علیه اسرائیل و ایالات متحده بوده است. اعدام شتابزده یک فرد خاص با نام مشخص، در قرن‌های گذشته یک عمل غیرقانونی ترور محسوب می‌شد، اما امروزه بسیاری آن را به عنوان یک

«عمل جنگی» می‌پذیرند، به این دلیل ساده که این کار توسط یک حمله نظامی انجام می‌شود، نه توسط جاسوسان مخفی مسلح به سم یا گرات.

با توجه به ترور بی‌شرمانه و لاف‌زننده‌ی سلیمانی توسط ترامپ و حمایت تمام‌عیار او از نتانیا هو، تهدید به نابودی رهبر عالی ایران، خامنه‌ای، به همان اندازه «دستور تخلیه» برای کل جمعیت تهران باورپذیر بود. رهبران امروز از استفاده از فناوری پیشرفته برای حذف افراد خاص و مشخص، چنان به وجد می‌آیند که گویی اعدام شتابزده‌ی قربانیان، آشکارا مجاز است، با توجه به اینکه قتل هدفمند اکنون توسط دولت‌های سراسر جهان به عنوان یکی از رویه‌های عملیاتی استاندارد نظامی در نظر گرفته می‌شود و در طول هشت سال ریاست جمهوری اوباما به عنوان ابزاری برای «جنگ هوشمند» کاملاً عادی شده بود. اندکی پس از آنکه مقامات ترامپ در رسانه‌ها اصرار کردند که بمباران تأسیسات ادعایی تولید هسته‌ای ایران، آغاز جنگ ایالات متحده و ایران نبوده است، ترامپ دوباره به رسانه‌های اجتماعی روی آورد، این بار برای اینکه بگوید هدف نهایی دولت او ممکن است واقعاً تغییر رژیم باشد:

استفاده از اصطلاح "تغییر رژیم" از نظر سیاسی درست نیست، اما اگر رژیم فعلی ایران قادر به بازگرداندن عظمت به ایران نیست، چرا تغییر رژیم وجود نداشته باشد؟؟؟
Trump Truth Social Posts On X — (UTC 20:55 TS: 22) !!!MIGA
22 (@TrumpTruthOnX) ژوئن 2025 کمتر از یک روز بعد، روایت رسمی جدید این شد که ترامپ به لطف قابلیت‌های فوق‌العاده‌اش در معامله‌گری، "جنگ دوازده روزه" را استاندانه به پایان معجزه‌آسایی رسانده است.

اگر این واقعیت وجود نداشت که میلیون‌ها نفر در ایران همچنان تحت تهدید مداوم مرگ زندگی می‌کنند، با توجه به رفتار به‌شدت غیرقابل‌پیش‌بینی رئیس‌جمهور ترامپ، که ظاهراً با تعهد دیرینه او به حمایت از اسرائیل، صرف نظر از میزان رفتار ظالمانه نخست‌وزیر نتانیا هو، تشدید شده است. اقدامات تروریستی روزافزون و جسورانه‌ای که توسط دولت اسرائیل انجام می‌شود، به وضوح نشان می‌دهد که قتل‌های دولتی و اثرات تروریستی ناشی از آن تحت پوشش فریبنده «جنگ هوشمند» در نهایت به کجا منجر می‌شود.

هدف قرار دادن مظنونین تروریستی که گفته می‌شود مسئول جنایات قبلی هستند، به سرعت گسترش یافت و شامل حملات ویژه علیه گروه‌هایی از افراد غیر مسلح شد که به طور بالقوه خطرناک شناخته شده و در هر کجای جهان - در غزه، لبنان، سوریه، ایران یا هر جای دیگری که قاتلان دولتی بخواهند - مستقر هستند. دولت اسرائیل حتی از تلفن‌های همراه منفجرکننده و بمب‌های خودرویی استفاده کرده است، که مورد دوم زمانی تاکتیکی بود که در درجه اول توسط گروه‌های مخالف ضد دولتی و سندیکا‌های جنایی به کار گرفته می‌شد. استفاده مکرر دولت اسرائیل از خودروهای بمب‌گذاری شده برای کشتن دانشمندان

تحقیقاتی، شیب لغزنده حملات موشکی در خارج از مناطق درگیری فعال تا حملاتی که از نظر تجربی با حملات مافیایی قابل تشخیص نیستند را روشن می‌کند. خودروهای بمب‌گذاری شده مدت‌هاست که توسط مافیا و سایر گروه‌های جرایم سازمان‌یافته غیردولتی مورد استفاده قرار می‌گیرند، اما دولت اسرائیل آشکارا همین اقدامات را تحت پوشش «دفاع از خود ملی» انجام می‌دهد.

عادی‌سازی ترور توسط دولت ایالات متحده، رهبرانی مانند نتانیا هو را جسور کرده است که امروزه به نام دولت مقدس، طبق اصل «همه چیز مجاز است» رفتار می‌کند. شاهد آنچه از ۷ اکتبر ۲۰۲۳ در غزه در جریان است باشید: تروریسم، شکنجه، گرسنگی و اعدام‌های خودسرانه. همه اینها توسط هر رهبری در جهان که همچنان از قتل عام نتانیا هو حمایت می‌کند یا حتی به آن کمک و تشویق می‌کند، ظاهراً با این فرض که عاملان این جنایات چیزی بیشتر یا کمتر از دفاع از دولت اسرائیل انجام نمی‌دهند، مورد تأیید قرار می‌گیرد. با الگوبرداری از روسای جمهور آمریکا، ترامپ و اوپاما، و نخست‌وزیر بریتانیا، کامرون، که همگی علناً به اعتبار ترور خود می‌بالیدند، نخست‌وزیر نتانیا هو، که ظاهراً دریافته است که اجرای قتل در واقع از نظر اخلاقی بی‌ربط است، آشکارا و بی‌شرمانه افرادی را که موساد آنها را خطرناک تشخیص داده است، اعدام می‌کند، بدون هیچ نگرانی برای جان هزاران بی‌گناهی که در این مسیر نابود می‌شوند. در عملیات عروسی سرخ، دولت اسرائیل ادعا کرد که در عرض چند دقیقه، سی مقام ارشد مرتبط با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، از جمله فرماندهان نظامی و فرماندهان ارشد مستقر در سراسر ایران را در آغاز «جنگ دوازده روزه» ژوئن ۲۰۲۵ اعدام کرده است. این عملیات توسط رسانه‌های طرفدار اسرائیل به عنوان «اعمال سفارشی» قتل هدفمند که توسط اطلاعات «الگوی زندگی» امکان‌پذیر شده است، مورد ستایش قرار گرفت.

ترور با پهباد، که تیم اوپاما با موفقیت آن را به عنوان «جنگ هوشمند» تبلیغ کرد، راه را برای پذیرش بی‌چون و چرای بسیاری از شهروندان از گسترش نفرت انگیز کشتار دولتی به شمول اعمالی که در طول تاریخ توسط اعضای جرایم سازمان‌یافته غیردولتی انجام شده بود، هموار کرد. با نگاهی به گذشته، تغییر نام ترور سیاسی توسط مقامات آمریکایی به عنوان یک اقدام جنگی، تنها به شرطی که ابزار مرگ، موشک باشد، روشی زیرکانه و تا حد زیادی موفق برای متقاعد کردن شهروندان آمریکایی به این باور بود که قتل فراقضایی و دولتی در خارج از کشور، وسیله‌ای قابل قبول برای حل و فصل منازعات است، حتی اگر تمام رویه‌های جمهوری خواهانه‌ای که طی هزاره‌ها شکل گرفته‌اند، از جمله ابزارهای قضایی، برای آشتی دادن ادعاهای رقیب طرفین مناقشه را دور بزنند.

در گرداب جنگ‌های قرن بیست و یکم علیه افغانستان و عراق، ترور به عنوان قتل هدفمند برچسب‌گذاری شد و با موفقیت به عنوان «جنگ هوشمند» به سیاستمداران فروخته شد، راهی دقیق و جراحی‌وار برای شکست دشمن بدون قربانی کردن نیروهای رزمنده. صرف نظر از اینکه از چه برچسبی استفاده شود، ترور یا قتل هدفمند، اقدامات اعدام

شتابزده توسط دولت‌ها شامل حذف عمدی و از پیش برنامه ریزی شده افراد مظنون به خطرناک بودن احتمالی است، معیاری آنقدر مبهم که اجازه هدف قرار دادن تقریباً هر فرد سالمی را می‌دهد که اتفاقاً در مکانی قرار دارد که گمان می‌رود تروریست‌ها در آن ساکن هستند.

سه تفاوت بین "قتل هدفمند" انجام شده توسط جنگجویان پهپاد و ترور وجود دارد. اول، سلاح مورد استفاده موشک است. دوم، اپراتورهای پهپاد لباس فرم می‌پوشند، در حالی که آدمکش‌های مخفی و آدمکش‌ها این کار را نمی‌کنند. سوم، جنگ پهپادها به دور از "دقت جراحی"، کشتار رهگذران بی‌گناه را در جوامع مدنی خود افزایش می‌دهد، که به راحتی به عنوان "خسارت جانبی" جنگ نادیده گرفته می‌شود. به این ترتیب، ظهور پهپادهای کشنده و استفاده از آنها در خارج از مناطق خصومت فعال، به ایجاد وحشت در کل جمعیت‌هایی منجر شده است که مجبورند ماشین‌هایی را که ممکن است در هر زمان و هر روز معین موشک‌هایی را شلیک کنند، بالای سر خود تحمل کنند. تهدیدهای موثق به مرگ سران کشورها و دستور تخلیه میلیون‌ها نفر، نه تنها افراد مورد خطاب را وحشت‌زده می‌کند، بلکه امنیت شهروندان ایالات متحده را نیز تضعیف می‌کند. مردم، بار واکنش ناشی از چنین رفتار بی‌ملاحظه‌ای را از سوی مقاماتی که با مصونیت مؤثر عمل می‌کنند و از ریشه‌های جمهوری خواهانه کشور بی‌اطلاع یا بی‌خبرند، متحمل خواهند شد. پنتاگون با انجام حملات موشکی پیشگیرانه، نه تنها از منافع و رفاه شهروندان ایالات متحده، بلکه از شهروندان جهان نیز محافظت نمی‌کند، بلکه آنها را تخریب می‌کند.

با این وجود، بسیاری از سیاستمداران و اعضای جامعه ایالات متحده، به همراه سران کشورهایی مانند مارک کارنی، نخست وزیر کانادا، کی پر استارمر، نخست وزیر بریتانیا، آنتونی آلبانیزی، نخست‌وزیر استرالیا و دیگران، که کاملاً مجذوب خط بازاریابی «جنگ هوشمند» شده‌اند، به نظر می‌رسد هیچ مشکلی با تهدیدهای مرگ مستبدانه و مسلماً دیوانه‌وار رئیس‌جمهور ایالات متحده ندارند. آنها کاملاً به ترور افراد عادت کرده‌اند که اکنون به عنوان یک رویه عملیاتی استاندارد در جنگ تلقی می‌شود. اورسولا فون در لاین، رئیس کمیسیون اروپا، با صدور این بیانیه پس از حملات موشکی ایالات متحده علیه ایران در ۲۲ ژوئن ۲۰۲۵، عملاً رفتار ترامپ را تأیید کرد: «ایران هرگز نباید به بمب دست یابد.»

اگر تروریسم تهدید خودسرانه مرگ علیه افراد بی‌گناه است، پس شکی نیست که بزرگترین حامی دولتی و عامل تروریسم در قرن بیست و یکم در واقع دولت ایالات متحده است. رئیس‌جمهور ترامپ از رئیس‌جمهور اوباما و مربی خود، جان برنان، تزار قاتل هواپیماهای بدون سرنشین (که در سال ۲۰۱۳ توسط اوباما به عنوان مدیر سیا منصوب شد)، ظرفیت ایجاد وحشت در کل جمعیت غیرنظامی و اعدام افراد به دلخواه خود را به ارث برده است. همانطور که هر حمله پهپادی که در مجاورت جمعیت غیرنظامی فراتر از مناطق جنگی انجام شد، تهدید کاملاً بی‌مهار ترامپ علیه گروهی از مردم که جایی برای پناه گرفتن نداشتند و هیچ راهی برای دانستن اینکه آیا رئیس‌جمهور ایالات متحده

هشدار جدی می‌دهد یا صرفاً بلوف می‌زند، و تلاشی گمراه‌کننده برای بازگرداندن رهبر ایران، خامنه‌ای، به میز مذاکره (جایی که قبل از شروع بمباران ایران توسط اسرائیل بود) بود، یک عمل تروریستی بود.

ترور میلیون‌ها انسان به نام جلوگیری از تروریسم "هوشمندانه" نیست. این یک تناقض است، به سادگی.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

لوری کالهون نویسنده‌ی کتاب‌های «ما می‌کشیم چون می‌توانیم: از سربازی تا ترور در عصر پهباد» (۲۰۱۵) و «جنگ و توهم: بررسی انتقادی» (انتشارات پالگریو مک‌میلان ۲۰۱۳) به همراه مقالات بسیاری در مورد جنگ، اخلاق و سیاست است



لوری کالهون

«2025-07-18» **با احترام** _____

.....